

در زوایای تاریخ معاصر افغانستان

(بخش ۶)

در اینجا بعضی خوانین مثل بلوچ خان اچکزائی، یحیی خان بامیزائی، و غلام احمد خان ولد مختار الدوله یکی از برادران عظامحمد خان حاکم کشمیر نزد شجاع به لاهور آمدند و با آمدن غلام احمد خان گرفتن پشاور از سردار محمد عظیم خان که از طرف شاه محمود حاکم اینجا بود در نظر شجاع الملک اسان تر شد چنانچه غلام محمد خان مذکور هزار سوار از برادر خود عظامحمد خان از کشمیر خواسته عازم پشاور شد و بعد از مختصر مقابله شهر را متصرف گردید، شجاع وارد شد و محمد عظیم خان به کابل آمد و ماه پشاور در دست شجاع بود که باز محمد عظیم خان بنام شاه محمود از کابل لشکر آورده و شجاع شکست یافته مجدداً به راولپنڈی برگشت و این دفعه برادر دیگر عظامحمد خان حاکم کشمیر، جهانداد خان، و سمندر خان بامیزائی با سه هزار سوار و پیاده شجاع را به گرفتن پشاور تشویق کردند و در اثر تصادم دیگر با سردار محمد عظیم خان حاکم پشاور و برادرش عظامحمد خان باریک زائی اخیراً ذکر کشته شد مگر سر نوشت طرفین پوره معلوم نشده سردار محمد عظیم خان در پشاور و شجاع الملک به راولپنڈی برگشت و بار دیگر عظامحمد خان ناظم کشمیر غلام محمد خان برادر خود و نندرام سک نوکر معتمد خود را با تقریباً دوایم هزار سوار از پیاده نزد شجاع فرستاده و در این جنگ اخیر سردار محمد عظیم خان شکست یافته و از راه کوهات و بنکس به کابل عقب نشست و پشاور در ظاهر بدست شجاع الملک و در باطن در تصرف غلام محمد خان بامیزائی و سمندر خان بامیزائی و در حقیقت امر در حیطه نفوذ و تصرف عظامحمد خان حاکم کشمیر درآمد سپس در فرصتی که شهزاده حیدر بن شاه شجاع به امر پدر معروف پیکار بانواب جبار خان در دیره جات بود، جهانداد خان و سمندر خان بامیزائی طبعاً به امر و هدایت عظامحمد خان حاکم کشمیر شجاع را مجبوس نموده اول به قلعه اتک و از آنجا به کشمیر فرستادند و در قلعه کوه مازان مجبوس گردید (۱)

(۱) اختصار از صفحات ۵۶ الی ۶۵ نسخه قلمی و افتخار شام شجاع کتابخانه مؤرخه کابل

بدین ترتیب رفته رفته عطاء محمد خان با میزائی در اثر چندین سال حکومت
متوالی در کشمیر چنان مقتدر شد که در میان دوشاه بر حال و مخلوع
سدوزائی و در مقابل برادران بارک زائی که با شاه محمود درین وقت کمال
همکاری داشتند دست ثانی محسوب میشد و با این موقعیت طبعاً از پرداخت
مالیات به کابل سر باز میزد. فتح خان که در مسائلی حکام و لایات مخصوصاً
نقطی که مشرف بر نفوذ بیگانه بود خیلی حساسیت نشان میداد برای اینکه
شاه محمود را هر طور است حاضر به تصفیه حساب کشمیر با عطاء محمد خان
کنند و متعاقباً متوجه اقدامات رنجیت سنگ کرد موضوع حبس برادر او
شجاع الملک رابه او گوسزد کرد و در نتیجه شاه محمود
وزیر فتح خان و سردار محمد عظیم خان و دوست محمد خان با اتفاق
هم با لشکر بزرگ بطرف ولایت مشرق قبی حرکت کردند
جهان داد خان و سمندر خان از شنیدن این خبر فرار نمودند و شاه محمود
با سرداران معیتی خود وارد پشاور شد. در فرصتی که همه چیز آماده بود شاه محمود
میخواست عازم کشمیر شود و به بعضی روایات عطاء محمد خان پرداخت خراج
سالانه سه لک روپیه را که رقم بسیار جزئی بود قبول دارم شده بود دفعه آهمه
ترقیات برهم خورد زیرا در همین موقع سید اشرف و سید عطا با بعضی کوهستانی
ها دور شهزاده عباس برادر شاه محمود در کابل گرد آمده و میخواستند او را
به یاد شاهی بردارند این خبر طبعاً نقشه حرکت کشمیر را برهم زد. سردار
محمد عظیم خان و دوست محمد خان فوراً برای سر کوبی با غیان و متمر دین
رواته کابل شدند و شاه محمود و فتح خان مدتی در پشاور مانده و عقب آنها
مراجعت کردند و این دو مین دفعه ایست که شاهی از کابل به قصد عزل
حکمران کشمیر و تصفیه حساب آن علاقہ به پشاور میرسد و در اثر واقعات پابخت
مملکت مجبور به مراجعت میشود چنانچه قبلاً دیدیم که شاه شجاع و محمد اکرم
خان امین الملک در اثر ظهور شاه محمود در کابل و فتح خان در گندمک
موضوع حمله کشمیر را معوق مانده و برگشتند اینک این دفعه شاه محمود

و فتح خان خود شان در اثر بروز مسئله شهزاده عباس مجبور شدند عطا محمد خان و کشمیر را بحال خود باقی گذاشته و به پای قنیت مراجعت کنند شاه محمود و وزیر فتح خان قتی به کابل رسیدند که متمر دین بهزای خود رسیده و اوضاع به حال عادی بر گشته بود ، بهر حال بدین صورت باز سالی گذشته و مسئله روشن ساختن وضعیت عطا محمد خان و حکومت مالیات کشمیر کما کان باقی ماند .

سال دیگر فتح خان و دوست محمد خان به قصد فیصله مسئله کشمیر از کابل حرکت کردند ولی چون به تعلقه مطلوب نزدیک شدند عطا محمد خان پرداخت خراج سالانه سه لک روپیه را قبولدار شد و فتح خان به این وعده شفاهی اکتفا نموده راه ملتان پیش گرفت و نمایندگی خویش را برای دریافت خراج موعود به کشمیر فرستاد اما عطا محمد خان عملاً از دادن مالیه اباورزید فتح خان و دوست محمد خان پس راه کشمیر را پیش گرفتند و با وجودیکه زمستان فرارسیده بود عزم مقابله حکمران کشمیر را بر خویش جزم کردند .

موضوع فتح این دره قشنگ که سال ها طول کشید و دامنه پیدا کرد برای اشرف الوزراء فتح خان و عزل عطا محمد خان با میزانی حاکم کشمیر و استعمال شاه شجاع الملک از طرف اخیر الذکر در جنگ و صلح اینجا و سهم سردار محمد عظیم خان و دوست محمد خان درین گیری دار چیزهایی است که در ماخذ داخلی و خارجی با مختصر تفاوت های نوشته شده نسخه قلمی واقعات شاه شجاع طبعاً درین موضوع صحبت میکنند ولی مهم تر از آن دو مکتوب مهمی در دست است که عنوانی نایب امین الله خان لوگری تحریر شده نویسنده نامه اولی معلوم نشد . مکتوب دومی از طرف اله داد نامی به اسم نامبرده در کشمیر در محل وقوع جنگ ها نوشته شده است اگر چه متاسفانه مکتوب اولی چند جای پارگی دارد معذک مضمون مخصوص در قسمت های مربوط به اصل موضوع که جنگ های کشمیر باشد به کمال وضوح خوانده میشود و بحیث اسناد مهم تاریخی بر قضایا روشنی می اندازد و یکی از بزرگترین کمایابی های وزیر فتح خان را با جزئیات معرفی مینماید ، اینک اول حصه مطلوب را از نسخه قلمی واقعات شاه شجاع نقلی میکنیم و بعد متن مکاتبات را تقدیم مینماییم .

«... بمصدق این مقال آنکه از استماع خبر این واقعه که عظام محمد خان
 «و جهانداد خان و غیره بامی زائیان به خدمت بندگان مایه ادبها و تمکحرامی
 «نمودند شاه محمود را ننگ و غیرت جبلی و رحمت و الفت و رحم برادری
 «گریبان گیر جان شده در محال دهله و غیره که طوائف بامیزائیان مسکن و مائوا
 «داشتند یک هزار سوار جرار بطریق چپاول فرستاده صغیر و کبیر و جوان و پیر
 «آنها را قتل و تاراج و املاک و مسکانات آنها را مسمار و بایمال سم ستوران
 «افواج ساخت بقیت السیف را اسیر و دستگیر نموده به کمال بی حرمتی
 «و ذلت و بی ستی بحضور خود طلبید چون از تعذیب و تخریب آنها یافته مذکور
 «خواطر شاه محمود مخلصی این نیاز مند در گناه الهی بود این معنی بدون
 «تسخیر و تصرف خطه کشمیر صورت پذیر نبود لهذا فتح خان را با جمعیت
 «سی هزار لشکر مامور تسخیر کشمیر نموده مرخص ساخت چون راه مظفر
 «آباد جای عبور نبود بنا بران از راه پنجاب بکجرات رسیده بارنجیت سنگه
 «اتفاق نموده از راه «بمیر و نوشه میدان» عازم کشمیر گشته وارد شیپال
 «که سرحد کشمیر است گردید عطا محمد خان نیز فوج خود را آراسته
 «به مقابل فتح خان در شیپال رفت چون فی مابین عسکرین جنگ واقع شد لشکر
 «عطا محمد خان غریمت خورده یک منزل واپس گردید بلکه روزمره دو صد سه صد
 «سوار از لشکر فرار شده در نزد فتح خان حاضر میگرددند. از ظهور این
 «مقدمه عطا محمد خان زیاده تاب مقاومت نیاورده از آنجا مراجعت به سمت
 «شهر نموده در زیر قعله «شیر کر» به میدان تپه «مالو» سنگر مستحکم بسته
 «منزل نمود باوجود این چون چاره کار خود مخلصی از چنگ هـ - لاک
 «آهنگ فتح خان بدون ذریعه بندگان اشرف ماغیر ممکن یافت بنا برغلیه
 «ضرورت بصوابدید خوانین بامیزائی مصحف مجید و فرقان حمید را شفیع
 «حال ساخته سر برهنه و طناب به گردن و شمشیر به کف گرفته بحضور فیض
 «دستور حاضر گشته به عرض اقدس رسانیدند که به تصدق همین کلام الهی
 «قبله عالم و المپان عذر خواهی این خلاصی را منظور نظر فیض گستر فرموده»

«تقصیرات غلام راعفو فرمایند و اگر به کشتن غلام امر میشود شمشیر دار»
 «حاضر است بندگان اشرف به مصداق در عفو لذت نیست که در انتقام نیست بنا بر»
 «و ثوق عظمت و جلالت کلام شریف الهی و اخلاق و عادات خویش که پیوسته»
 «از عقوبت و انتقام مائل و متوجه به ترحم و انعام خاص و عام بوده اند بفرجی»
 «الانسان هر کب من الخطا و نسیان عذرات او را منظور نظر ترحم منظر فرموده»
 «تقصیرات او را عفو فرمودیم تا شاید که آینده از ایشان کاری و امری»
 «ناروا سر برزنند چون خوانین درانی و غلام خانه شعبه خطبه کشمیر یعنی»
 «همراهیان عظام محمدخان از آبا و اجداد نمک پرورده بندگان اشفاق عنوان»
 «ما بودند لهذا همه حاضر و مستعد خدمت شدند از آنجا که مقدمات مقابله»
 «و مجادله افواج متخاصمین بانجام و اختتام رسیده بود یعنی فتح خان داخل»
 «کشمیر شده متصرف گردیده بود و لشکر عظام محمدخان در روز فرار شده نزد»
 «فتح خان میرفتند در بنحال عظام محمدخان و سمندرخان عرض نمودند که»
 «غلامان را حضور اقدس بدست مبارک بشمیر رهاک سازند زیرا که گناه کار»
 «پادشاهی و نمک حرامی ظل الهی هستیم تا به سزای خود برسیم یا غلامان را به»
 «خدمت خود نگاهدارند که مخلصی غلامان از نصرت فتح خان حاصل گردد لهذا»
 «از حضور اشرف ارشاد شد که الحال کار از دست و دست از کار رفته است بهتر»
 «اینست که شما در قلعه شیر کر رفته متحصن گردیده چند روز خود را نگاه دارید»
 «تا بندگان اصلاح طرفین بفرمایند بنا بر امر سر کار عظام محمدخان در شیر کر»
 «رفته متحصن گردیده بعد چند یوم مصالحه نموده خود در نزد فتح خان رفته»
 «ملاحت کرد بعد از انعقاد صلح طرفین و اطمینان از عدم اتصال مضرت»
 «جانبین فتح خان بمعه حکم چند سردار لشکر رنجیت سنگه که بطریق»
 «کمک با فتح خان آمده بود بسلام بنده گدگان حاضر شدند چون در حین»
 «ملاقات فتح خان بارنجیت سنگه همین مقرر گردیده بود که هر گاه»
 «مخلصی پادشاه بعد فتح کشمیر شود از آنجا که وابستگان و اهالی حرم»

« پادشاه در لاهور میباید بهتر آنست که حضرت پادشاه را تشریف فرمای لاهور »
 « سازند فاحصه نیک نامی در مقدمه مخلصی پادشاه برای ماهم باشد ... » (۱)
 بقیه متن این اثر که جزء وقایع فرعی است لزوم ندارد و خلاصه آن
 این است که فتح خان شاه شجاع را به رفتن دیره جات و ملتان دعوت میکند
 و از طرف شاه محمود دلداری میدهد ولی نامبرده به لاهور نزد رنجیت سنگ
 میرود و قضایائی که بر سرش می آید خارج این مبحث است. حالا همین واقعات
 یعنی جنگ های وزیر فتح خان و عطا محمد خان با میزائی حاکم کشمیر
 را در روشنی متون مسکاتیبی که متذکر شدیم ملاحظه میکنم :

مرفع سوم اسناد خطی موزه کابل مکتوب ۱۰

بعرض صاحبی خدایرگانی ام میرساقدد بیرون که بوم دوشنبه بود کاهران
 مراد خان نام غلزائی در نزد شاهزاده رسید که از پشاور دستخطها در جوابه. یعنی
 « شاهزاده کاهران و کاغذ عریضه ابراهیم خان جمشیدی +++ (۲) بجهت »
 « بندگان والا بوده که کمترین در نزد مستوفی بچشم خود دیده و هر چه دستخط »
 « ها کامل (۳) محمد خان نام جوان پیش خدمت بندگان اقدس داده »
 « اند که در عرض راه است امروز با فردا خواهد رسید این خبر از +++ »
 « دستخط که چاپار مذکور آمده و از عریضه ابراهیم خان که نوشته »
 « میباشد تفصیل این حقیقت آنکه بندگان اشرف الوزراء (۴) که کوچ »
 « نمودند تا حد « شین » (۵) برف می بارید شب و روز راه رفته بیرون دره »
 « شدند همین که بدشت رسیدند قشون دشمن پیدا شد که سمندر خان به معنه »
 « دوازده هزار سوار پیدا شد بندگان اشرف الوزراء با وجود کمی سپاه که »

(۱) از صفحه ۶۶ تا ۶۸ نسخه فلمی واقعات شاه شجاع (کتابخانه موزه کابل)

(۲) يك كلمه كوچك خوانده نشد جاهاى كه خوانده نشده است علامه جمع گذاشته شده.

(۳) جاهاى نقطه عین جاهاى است كه در متن پاره شده و موجود نیست.

(۴) لقب وزیر فتح خان است

(۵) شاید (شین) همان (شیان) متنی نسخه واقعات شاه شجاع باشد که بیشتر دیده شد.

« قریب (۱) به سه هزار کس رسیده بودند تو گل به خدا نموده به همان ماندگی
 « بردشمن حمله بردند جنگ بسیار شد برادر سمندر خان کشته شد
 « ولشکر مخالف شکست خورد بنندگان اشرف الوزرا را تعاقب نکردند چون
 « سه چهار روز راه زده وهم جنگ کرده بودند بیرون « شین » سنگر
 « زدند روز دیگر غلام محمد خان و سمندر خان به جنگ آمدند جنگ
 « مغلو به شد باز دشمن شکست شد بار دیگر خود عطا محمد سوار شده آمد
 « ازینطرف سردار محمد عظیم خان پیش قدمه ول بود ... جنگ بسیار شد
 « سردار محمد عظیم خان شکست خورد بنندگان اشرف الوزرا
 « سوار شدند از صبح تا پیشین جنگ شد و عاقبت
 « حق تعالی به بنندگان اشرف الوزرا فتح داد دشمن شکست فاحش خوردند
 « که دیگر باره فرصت سنگر زدند، یافتند ... و عطا محمد خان در کوه ماران
 « قلعه بند شد و در جنگ دویم که شکست دشمن شده بودند گمان شاه شجاع
 « الملك ... با آنها بودند که شب نظر بقدم میداشتند و روز بچنگ می آوردند
 « در شکست دویم پادشاه مذکور در يك ده رفتند و به وزیر آدم روان کردند
 « وزیر پیش و از رفته شاهزاده شجاع الملك و شاهزادگان خود
 « آوردند امروز که یوم سه شنبه بود شاهزادگان زده شدند و شاکتوب و شاهین شد
 « و چار زدند که هفت شبانه روز چراغان نمایند صاحبان این مرده به شما
 « و جمیع دوستان مبارک باد و در مظفر آباد شکور خان پسر عبدالواحد خان
 « نشست و راجه هاتمام سلام وزیر کردند راه تا نزدیک اتک امن شد صاحب
 « کمترین در خدمت نواب حاضر و همراه دری خانه میروند شفقت نواب حاجیم
 « به شما بسیار است اما لازم که شما بعد سیزده روانه شوید و هر چه ... که شهزاده
 « آدم خود روانه میکند و آدم نواب را ... عوض کردم بمعرفت مرزا موقوف
 « کردم والا نه +++ می گفتند که ده تومان فرموده اند که از نواب بگیرند
 « پسین مرزا اشرف در کار شما بسیار اخلاص مینماید و خلعت عمر خان
 « بخوبی شفقت فرمائید . »

مرقع سوم اسناد خطی موزه کابل مکتوب نمبر ٤

« عالیجناب رفیع جایگاه عمدة الخو انین العظام اخوی امین الله خان سلام الله تعالی بعدها »
 « مشهود میدارد که هر گاه جو یای حال اینجانب بوده باشد الحمد لله »
 « بدرجه شکر است و نائیا احوال کشمیر رسید حقیقت چگونگی معلوم شد »
 « و چنانچه آمد رسید کشمیر را بخوبی بضرر شمشیر گرفتند بر شما و بر جمیع »
 « دوستان مبارک باشد و عطا محمد خان در کوه ماران قلعه بندمیر باشد »
 « اخوندها قرآن هارا گرفته نزد وزیر آمده که صلاحیت بشود جان خود را »
 « خلاص کند وزیر جواب داد هر چه مال حال دارید بدهید و خود شما را »
 « نزد شاه میفرستم حقیقت چنین است و نائیا اخوی ام عمکر را بخدمت »
 « فرستادیم وجه تسلیم او نموده ارسال دارید البته درین باب تفاقی نکنید »
 « که بسیار ضرور است اگر سرگردان گردید از شما گله خواهم کرد »
 « زیاده والسلام بندمیرا هر چه داد الله داد »
 بهر حال عطا محمد خان بعد از چندین سال حکومت کشمیر بالاخره در سال
 ۱۲۲۷ هجری قمری مطابق ۱۸۱۲ م متهزیم شده و این فتح بحیث یکی از کامیابی
 های بزرگ بنام وزیر فتح خان مهمان شد و مذاکرات فریبگی
 موضوع تسلیم شدن عطا محمد خان و عفو و زهائی او چیزی است که در
 چگونگی آن سخنان ضد و نقیض زیاد گفته شده و حتی نسخه قلمی
 « نوای معارک » میگوید که در اثر خدعه خلاصی یافته است . بدین ترتیب
 که يك صندوقچه زبورات مصنوعی ساخته و بحیث اندوخته های خود در چند سال
 حکومت کشمیر به فتح خان تقدیم نموده و خود را رها ساخت و از کشمیر
 برآمد بعد معلوم گردید که زبورات و جواهرات او همه قلب و مصنوعی میباشد (۱)
 بهر حال عطا محمد خان در اثر شفاعت و روی داری علما و بزرگان قوم
 و شخص شاه شجاع از طرف فتح خان عفو شد و آزاد گذاشته شد که هر جا
 خواسته باشد برود نا گفته نماند که قبل از آغاز جنگ های کشمیر میان فتح خان

(۱) این مطلب را سراج التواریخ هم در صفحه ۸۵ تذکر میده